

## آينه

## اقتصاد

#### جاولت مدرن

● **سیدعلی میرفناح**: در دنیای مدرن هم می‌توان جاولت‌های عظیم‌الجنه‌ا‌ه آسیب‌پذیر و شکننده را پیدا کرد. یکی از این جاولت‌ها بی‌شک ایالات متحده آمریکاست. آمریکا در شصت، هفتاد سال گذشته آنچنان بزرگ شده و خود را در اشکال مختلف تکثیر کرده که شما هر طرف فلاخن بچرخانید، به‌او سنگ زده‌اند. چهل سال پیش ما انقلاب کردیم و شاه را از تخت سلطنت پایین آوردیم، اما بی‌آنکه عمدی در کار بوده باشد به آمریکا ضربه زدیم و یکی از دست‌های آمریکا را در منطقه بریدیم. در جنگ با عراق هم هر وقت به عراق ضربه می‌زدیم، غیرمستقیم به آمریکا ضربه می‌زدیم. آمریکای امروز به مراتب بزرگ‌تر از آمریکای زمان کارتر شده است. او نه‌تنها بزرگ‌تر شده بلکه روحش را در کالبد بعضی شیوخ عرب و سرمایه‌داران آسیایی و دولتمردان اروپایی دمیده. در واقع به همین میزان آسیب‌پذیرتر و شکننده‌تر هم شده است. شما حالا هر جا یا بگذاردی روی دم آمریکا یا گذاشته‌اید و هر جا فلاخن بچرخانید و سنگ بیندازید صاف توی سر آمریکا زده‌اید. نمونه‌اش داعش. در ظاهر آمریکا وانمود می‌کند که می‌خواهد با داعش بجنگد اما در اصل جنگ با داعش جنگ با آمریکاست و هر جا با اصحاب ابوبکر بغدادی طرف شوید با نیروهای ایالات متحده طرف شده‌اید.

## کیمیان

#### عیارسنجی تصمیم ترامپ درباره سپاه

● **تصمیم ترامپ فقط «احمقانه» نیست**، غیرقانونی نیز هست. سپاه یک نیروی نظامی رسمی است و متعلق به دولتی است که عضو سازمان ملل است؛ اختیار خود را از قانون اساسی کشورش می‌گیرد؛ یک ساختار مشخص و تعریف‌شده دارد و دارای یک مرام‌نامه نظامی مصوب است که سازمان و اعضای آن را مقید به رعایت قوانین داخلی ایران و حقوق بین‌الملل در حوزه منازعات مسلحانه می‌سازد. اعضای سپاه دارای لباس مخصوص، نشان نظامی ثابت و قابل رؤیت و سایر ویژگی‌های لازم هستند. ضمن اینکه قریب به نیمی از جمعیت مشمولین خدمت سربازی در کشور دوران خدمت خود را در این نهاد سپری می‌کنند. لذا این تصمیم بی‌سابقه کاملاً غیرقانونی است.

## ایران

#### تله حقوقی آمریکا برای ایران

● **رضا نصری، حقوق‌دان بین‌الملل**: در شرایط کنونی، بهترین هدیه به تدروها و دولت ترامپ از دست‌دادن خونسردی، خودزنی‌های غیرضروری از قبیل قهر با لوائح FATF، لبریزشدن کاسه «صبر استراتژیک» و مبادرت به اقدامات و اظهارات نسنجیده‌ای است که برای متفکران و دستگاه تبلیغاتی جریان جنگ‌طلب قابل بهره‌برداری است! اما پرسش اینجاست که در برابر این اقدام خصومت‌آمیز آمریکا، ایران چه واکنشی می‌تواند از خود نشان دهد؟ اولین واکنش می‌تواند این باشد که ایران – در یک اقدام متقابل – نیروهای مسلح آمریکا را در فهرست سازمان‌های تروریستی خود قرار دهد و به دستگاه سیاسی و بدنه کارشناسی دستگاه نظامی آمریکا به وضوح این پیام را مخابره کند که از این پس با سربازان آمریکایی – به صورت دستگیری آن‌ها در خاک ایران – به مثابه اعضای یک سازمان تروریستی برخورد خواهد کرد. این اقدام – که از هم‌اکنون مقدمات آن توسط وزارت خارجه و شورای عالی امنیت ملی مهیا شده – اقدامی قاطع اما مشروع و قانونی است و در راستای احقاق حقوق تنصیع‌شده ایران قابل تفسیر است. دومین واکنش می‌تواند بسیج سازمان‌های بین‌المللی و سایر دولت‌ها برای ترغیب کنگره به ممانعت از این نام‌گذاری در هفته آینده باشد. در واقع، از آنجا که کنگره که هفته فرصت دارد تا نسبت به این نام‌گذاری اظهار نظر کند، لازم است دستگاه دیپلماسی کشور – با راینزی با سازمان‌هایی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان ملل، دولت‌های منطقه و دولت‌های غربی – آن‌ها را به مذاکره با کنگره برای خنثی‌سازی این تصمیم نامتعارف تشویق کند.

## سرنوشت

**شوخی ناپسند آمریکا را نمی‌توانیم تحمل کنیم احمد شیراز**: در سطح داخل همین همبستگی که نیروهای مختلف سیاسی نشان دادند و این اقدام را محکوم کردند، قطعاً بسیار موثر است و اگر این اقدام صورت نگیرد، تصور اشتباهی که برای خارجی‌ها و به‌خصوص آمریکایی‌ها پیش خواهد آمد این است که فکر می‌کنند سپاه منگک از جامعه ایران است و می‌توانند هر رفتاری داشته باشند. اقدام دیگری که خیلی به‌موقع و با سرعت کافی از طرف وزارت خارجه صورت گرفت و بنیانه شورای عالی امنیت ملی صادر شد، بود که در سطح سیاسی و دیپلماتیک این اقدام کاملاً متناسب و متقابل است. درواقع بیش از این هم خیلی به لحاظ عرف دیپلماتیک و سیاسی هم جا ندارد. معمولاً وقتی یک تعرض دیپلماتیک صورت می‌گیرد اقدام متقابل باید متعاقباً باشد. جرأت و شهامت خوبی که در تصمیم‌گیرندگان شورای عالی امنیت ملی وجود داشت، نشان داد که مساله را اصلاً شوخی نمی‌گیرند. هرچند اقدام ترامپ هیچ تأثیر عملی ندارد و به نوعی یک شوخی است ولی شورای عالی امنیت ملی کشورمان نشان داد که ما هر شوخی ناپسند و بی‌جایی را نمی‌توانیم تحمل کنیم.

politics@sharghdaily.ir

**شرق**: ۲۲ فروردین سال ۵۸ بود که ۱۱ نفر از مسئولان رژیم پهلوی در زندان قصر تهران تیرباران شدند. روزنامه کیهان درباره اعدام‌شدگان در همان روز نوشت: «سحرگاه امروز به‌دنبال محاکمه گروهی از عناصر سرسبرده رژیم منغور پهلوی، ۱۱ نفر از محکومان دادگاه عدل اسلامی، در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند. محاکمه عناصر حلقه‌به‌گوش رژیم منغور پهلوی که همگی از مهره‌های اصلی رژیم بودند، از صبح روز گذشته آغاز شد و تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت. از نخستین ساعات صبح روز گذشته چند شعبه دادگاه عدل اسلامی، با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و با حضور خبرنگاران و عکاسان کار محاکمه ۱۱نفر از مجرمین را آغاز کردند». کیهان در گزارش خود پس از ذکر نام و عنوان اعدام‌شدگان نوشته بود: «دادگاه پس از محاکمه، این گروه را به اتهام فساد در زمین و خیانت به ملت به اعدام محکوم کرد و ساعت دو یامداد این ۱۱ نفر پس از قرائت حکم اعدام در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند».

#### ناصر مقدم، آخرین رئیس ساواک

اسا آن ۱۱ نفر چه کسانی بودند؟ شاید مهم‌ترین نام در میان اعدام‌شدگان آن روز سپهبد ناصر مقدم باشد؛ آخرین رئیس ساواک که پس از نعمت‌الله نصیری روی کار آمد. او تنها چند وقت یعنی از اواسط خرداد ۵۷ تا بهمن همان سال این پست را در اختیار داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و اعدام شد. سیدرضا زوارهای، دادستان انقلاب وقت، در خاطراتش گفته است: «مهندس بازارگان نامه‌ای خطاب به من نوشته بود و مرا قسم جلاله داده بود که هر زمان می‌گردم، سپهبد مقدم، رئیس ساواک را بازجویی و محاکمه کنند، به ایشان خبر دهم تا بیایند و شهادت بدهند که مقدم چه خدماتی به مملکت کرده است». فارغ از آنکه این خاطره زوارهای تا چه حد صحت دارد؛ اما حکایت از یک اصل مسلم دارد که بازارگان در طول اعدام‌های انقلابی اوایل انقلاب به شکل و شیوه دادرسی‌ها انتقاد داشت؛ به نحوی که اختلاف‌های او با صادق خلخالی بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

#### پاکروان، دومین رئیس ساواک

حسن پاکروان، دومین رئیس ساواک، بین سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۳ بود. پاکروان در سال ۳۵ سالگی عملیات رئیس ساواک شد. چهار سال بعد که تیمور بختیار، رئیس ساواک، قدرت زیادی پیدا کرد و شاه را به وحشت انداخت و نیز با روی‌کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا با ریاست‌جمهوری جان اف کندی و فشار آن کشور برای ایجاد تغییرات سیاسی – اجتماعی در ایران، باعث شد شاه در ۲۴ اسفند ۳۹ سرتیپ حسن پاکروان را به ریاست ساواک بگمارد. در زمان ریاست پاکروان بر ساواک پنج نخست‌وزیر (جعفر شریف‌امامی، علی امینی، اسدالله علم، حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا) روی کار آمدند. پس از ترور منصور و روی‌کار آمدن دولت هویدا، پاکروان از ریاست ساواک برکنار و به وزارت اطلاعات منصوب شد. او این سمت را تا سال ۴۵ حفظ کرد و از سال ۴۵ تا ۴۸ در پاکستان و از سال ۴۸ تا ۵۲ در فرانسه سفیر ایران بود. همچنین او از سال ۵۲ تا ۵۶ به بازرسی شاهنشاهی منصوب شد و از ۱۳۵۶ تا بهمن ۵۷ مشاور و سرپرست امور مالی وزارت دربار بود. صادق خلخالی در کتاب ساواک خود آورده است که او به کارهای خاص در شهامت و شجاعت اعتراف کرد، فکر می‌کرد شاید به سبب این رگ‌گویی‌ها از حکم نهایی رهانیده شود.

سرانجام پاکروان به اتهام خیانت و افساد فی‌الارض اعدام شد. پس از اعدام او آمریکا به تصمیم دادگاه انقلاب ایران اعتراض کرد.

#### خلتعبری، وزیر امور خارجه

عباسعلی خلعتبیری از شهریور ۱۳۵۰ تا مرداد ۱۳۵۶ وزیر امور خارجه دولت امیرعباس هویدا و از مرداد ۵۶ تا شهریور ۵۷ وزیر امور خارجه در دولت جمشید آموزگار بود. او قبل از عهده‌دار شدن وزارت تا سال ۱۳۴۱ سفیرکبیر ایران در ورشو بود و سپس دبیر کل ستوش. موارد اتهام خلتعبری افساد فی‌الارض، قیام علیه حاکمیت ملی، عضویت در هیئت حاکمه ضد ملت، وزیر خارجه و عضو ارشد آن و استخدام عناصر ساواک و سیا در وزارت خارجه بود. همچنین گفته می‌شود از عناین اتهامی دیگر او امضای پیمان الجزایر و نقش وی در امضای قرارداد احداث نیروگاه اتمی بوشهر بوده است.

#### نیک‌بی، شهردار تهران

نیک‌بی در سال ۴۷ توانست به وزارت آبادانی و مسکن در کابینه هویدا دست یابد، اما به‌دلیل درگیری فیزیکی با عطاالله خسروانی، وزیر کشور وقت، از این سمت برکنار شد. او سپس با کمک هویدا توسط انجمن شهر به سمت شهرداری تهران منصوب شد. در بخشی از کیفرخواست او آمده بود: «با توجه به پنج حلقه نوار بازجویی و صدها مدارک خیانت از غلامرضا نیک‌بی، شهردار سابق تهران و در سمت‌های دیگر، نامبرده سال‌ها از مزوران سرسپرده استعمار و استبداد و فئودال‌های شهری و دلالان غارتگر و زمین‌خواران بی‌وطن بوده تا در تأمین حرص و آز بی‌شرانه و بی‌حساب آنها، منابع ملی با وجوه بیت‌المال ما را که باید در راه تأمین حقوق حقه و رفاه اکثریت جامعه مسلمان ایرانی به مصرف برساند و قسمت اعظم این وجوه ناشی از عوارض و مالیات ملتانه وصولی از همین اکثریت بوده باشد، ببنجامد و سیاست ضد مردمی و ضد ملی و خرابکارانه شهری خود را در جهت منافع استعمار به‌نوی اجرا کند که حتی ساعت‌ها نیروی انسانی هر فرد مسلمان ایرانی در روز، از جمله در مسیر رفت‌وآمد شهری یا در پشت میزهای اداری فاقد تولید ملی گردد. مضافاً در کیرودار این تباهی ساعت نیروی ملی، فریاد بی‌دادرس صدها هزار مسافر شهری با تصادمات خونی و با اعصاب نفاق افکنانه فی‌مابین برادران و خواهران ایرانی هر روز از نهاد آنها بیرون آید، تا نیروی انسانی بیگانه که اکثراً جاسوسان به آخور بسته در طولبه‌ها بودند، به‌اصطلاح کمبود نیروی انسانی ما را مرتفع کنند. تا شهر ما یا شهرهای دیگر به بیروی یا سیاست شهری پایتخت شاهنشاهی توقف‌گاه مانشین‌های نقلیه استعمار یا کارخانجات مونتاژ آنها شود که سود بی‌حساب این کارخانجات نیز با ایجاد بازار پرورق مصنوعی، به جیب اربابان او سرازیر شود و به این ترتیب، بورژوازی ملی متوقف و به فقرها برگردد تا شهر ما پیرانه شود و موجب خفتن ملی و موجب خوار شدن بیگانگان با ادعای وصول حق توحش نشود تا بازار و درآمدهای عظیم ملی ما دربست در اختیار استعمار قرار گیرد که با کمال تأسف باید سال‌ها کوشش کرد تا آثار شوم این پدیده‌های استعمارگرانه از بین برود. بنابراین نامبرده به عنوان مفسدفی‌الارض معرفی می‌شود و تقاضای مجازات وی می‌شود». او نیز مانند ۱۰ نفر دیگر از مسئولان نظام شاه در ۲۲ فروردین ۵۸ تیرباران شد.

## سیاست

### بازخوانی اتهامات محکومان ۲۲ فروردین ۵۸

# اعدام آن ۱۱ نفر

#### محمدتقی مجیدی، رئیس دادگاه فداییان اسلام

اسدالله صفا، از مبارزان قبل از انقلاب، می‌گوید: «یادم هست که در زندان قصر بودم که یک روز جوانی با کت‌وشلوار سرمه‌ای آمد دم زندان و گفت که با آقا صفا کار دارم. من رقتم و پرسیدم چهار دارد، گفت فردی به اسم محمدتقی مجیدی هست که هر چه گشتمی او را پیدا نکردیم و دکتر خورشیدی در مسجد لرزاده، مرا به اینجا فرستاده، من داماد او هستم و دنبالش می‌گردم. شوهرخواهر من، ناصر زریاف، از فدائیان اسلام بود. خواهرم به من گفت که چند وقت است که آقای زریاف دنبال تو می‌گردد تا بهت بگه که مجیدی زندانی توئه و مواظب باش فرار نکن. من رقتم و پرس‌وجو کردم و دیدم عاقل مردی است و خود اوست. به سراغ آقای خلخالی رقتم و گفتم: آقا! چه نشستید که قاتل مرحوم نواب رو گرفته‌اند. مرحوم خلخالی گفت که برو سریع زمینه محاکمه او را فراهم کن. تیسراز مجیدی را آوردیم و او اظهار کرد که خسته است و حالش خوب نیست و محاکمه به فردا افتاد. من فدائیان اسلام قدیمی را خبر کردم و بعضی‌ها آمدند، از جمله برادرزن آقای عبدالحسین واحدی به نام احمد عباسی‌تهرانی که با نواب محاکمه شد و او ۱۰ سال حبس کشید. در دادگاه، مرحوم خلخالی دلیلی هم برای کافربودن آنها داری؟ گفت بله. آیت‌الله بروجردی که من مقلد او بودم، از آنها دفاع نمی‌کرد. مرحوم آذری‌قمی که در دادگاه حضور داشت و بسیار مورد احترام امام و زندانی‌کشیده‌ها و تبعیدکشیده‌های رژیم بود، اشک در چشمش جمع شد و گفت که والله موقعی که حکم اعدام نواب رو دادید، آقای بروجردی مرا خواست و نامه‌ای نوشت برای سیدالعرفیقن که با دربار در تماس بود. پی‌رمزدی به نام قائم‌مقام رفیع در تهران بود که چشمش چپ و راست اعلی حضرت بود و به خانه آیت‌الله هم می‌آمد. آقای بروجردی در نامه نوشته بودند که دست را به خون این بچه‌سیدها لوده نکن و نامه را دادند به سیدالعرفیقن که بدهد به او. ظاهرا شاه و خانواده‌اش برای اسکی به آبعلی رفته بودند و نامه به دست او نمی‌رسد و فدائیان اسلام به شهادت این تیروی ملی، فریاد بی‌دادرس ۲۲فروردین به اتهام دادگاهی و صدور حکم اعدام برای اعضای فداییان اسلام تیرباران شد.

#### نشاط، فرمانده گارد جاویدان

علی نشاط آخرین فرمانده گارد جاویدان شاهنشاهی در نظام پهلوی بود که پس از انقلاب به اعدام محکوم شد. گارد جاویدان شاهنشاهی مسئولیت حفاظت از خاندان سلطنتی و کاخ‌ها و ابنیه سلطنتی را برعهده داشت. همچنین علی نشاط از جمله فرماندهانی بود که هنگام بازگشت امام به ایران، فرودگاه مهرآباد را روی او بست.

او پس از انقلاب اسلامی محکوم به اعدام شد.

#### ریاضی، رئیس مجلس شورای ملی

عبدالله ریاضی در سال ۴۲ برای دوره ۲۱ مجلس شورای ملی کاندیدای نمایندگی مجلس شد. عناصباتی دانشجویان را برانگیخت زیرا ریاضی

هیچ‌گاه فعالیت سیاسی دانشجویان را برنمی‌تافت و حتی دانشجویی را به دلیل فعالیت سیاسی تهدید به اخراج کرده بود. به همین دلیل پس از آنکه به مجلس راه یافت، از سوی دانشجویان مضروب شد. به اعتقاد محمود فاضلی، تصویب لایحه جدایی بحرن از ایران و لایحه کاپیتولاسیون از اقدامات جنجالی دوران ریاست وی بر مجلس است. وی در دوره‌های ۲۱ تا میانه‌دوره ۲۴ به مدت ۱۵ سال رئیس مجلس شورای ملی بود و در سال ۱۳۵۷ با اوج‌گرفتن اعتراضات در کشور از ریاست مجلس برکنار و برای مدتی برای معالجه راهی اروپا شد و بعد از مدتی به ایران بازگشت. سرانجام او نیز در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد.

#### بیات، نماینده مجلس

حسینعلی بیات آخرین نماینده زنجان در مجلس شورای ملی بود که به اتهامات سرکوب‌کردن عشایر خوزستان، عامل کشتار مردم کردستان در سال‌های ۴۴

در ۲۲ فروردین ۵۸ تیرباران شد.

#### وحیدی، سناتور مجلس

محمدعلی وحیدی معروف به علامه وحیدی در دوره هجدهم نمایندگی مجلس شورای ملی، با کمک و مساعدت سپهبد زاهدی از کرمانشاه به نمایندگی رسید و به‌تدریج به دربار راه یافت. در دوره‌های نوزدهم و بیستم هم وکیل کرمانشاه در مجلس شورای ملی شد و در سال ۱۳۴۲ سناتور انتصابی مجلس سنا شد. در سال ۱۳۴۴ به نیابت تولیت مسجد سپهسالار (مدرسه و مسجد شهید مطهری فعلی) منصوب و مدتی استاد دانشکده الهیات شد. ریاست کل تحقیق اداره اوقاف از مشاغل دیگر او بود. در مجلس سنا مدافع دولت‌ها و مدیحه‌گوی آنها بود. پس از قتل حسنعلی منصور در مجلس سنا سخنرانی ایراد کرد که به کفرگویی بی‌بهاخت نبود و در تملق از فرح پهلوی مطالبی عنوان کرد که باعث رنجش شدید مردم متدین شد. وحیدی سرانجام تیرباران شد.

#### حجت کاشانی، رئیس سازمان تربیت بدنی

علی حجت کاشانی، سپهبد ارتش شاهنشاهی ایران و از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ معاون نخست‌وزیر و در ۲۷ مرداد ۱۳۵۵ رئیس سازمان تربیت بدنی بود. در دوران ریاست

حجت‌کاشانی بر سازمان تربیت بدنی، ورزش ایران توانست در بازی‌های آسیایی تهران صاحب ۶۴ مدال از جمله ۳۰ مدال طلا شود. خانواده حجت‌کاشانی در دادگاه انقلاب محاکمه شد. وی به حکم صادق خلخالی محارب و مه‌ورالدم تشخیص داده شد و در زندان قصر تیرباران شد. در بخشی از کیفرخواست او آمده بود: «با برگزاری برنامه‌های نمایشی المپیک‌ها و غیره و غیره جوانان را به منجالب فساد می‌کشاند».

#### روحانی قزوینی، وزیر برق و کشاورزی

منصور روحانی قزوینی از سال ۴۲ تا ۵۶ هدایت دو وزارتخانه آب و برق و کشاورزی و منابع طبیعی را بر عهده داشت. روحانی را به‌عنوان پایه‌گذار شبکه

سراسری برق ایران می‌شناسند. او نیز در ۲۲ فروردین سال ۵۸ در زندان قصر با حکم صادق خلخالی اعدام شد.

#### یادداشت

### ضرورت حمایت فراجناحی از سپاه



● **سروش اکبرزاده** فعال سیاسی اصلاح‌طلب

● اگر بخوایم تحلیلی از اقدام ترامپ در قبال سپاه پاسداران داشته باشیم، باید با نگاهی که گذشته توجه کنیم که شرایط فعلی از تاریخچه‌ای که ما در جریانات سیاسی در کشور داشتیم، جدا نیست. متأسفانه از پیش از انقلاب میراثی در فضای سیاسی ما باقی ماند که من آن را «میراث توده‌ای» یا میراث حزب توده قلمداد می‌کنم. در این میراث مسا عادت کرده‌ایم که یکدیگر را حذف کنیم؛ طوری که انکار فعالیت سیاسی مترادف حذف رقیب و حذف تفکرات مخالف است. درحالی‌که خیلی از آتهایی را که از نزدیکان نمی‌دانستیم، اگر درست عمل می‌شد، می‌توانستند در دامن و بستر منافع ملی حرکت کنند.

بعد از انقلاب بین هم به‌اصطلاح «زندیکان» و نیروهای انقلابی نگاهی حاکم شد و یک تقسیم‌بندی صورت گرفت که طبق آن نیروها به دو جریان چپ و راست تقسیم شدند. هر دو جریان فکر می‌کردند که فعالیت سیاسی یعنی حذف. این حذف‌کردن اتفاقاً از جریان‌های چپ هم شروع شد. یعنی این چپ‌ها بودند که شروع کردند به حذف نیروهای راست به این بهانه که خط امامی نیستند. بعدها که جریان راست قوت گرفت، این‌حذف را از حالت اعلامی به حالت اعمالی درآورد و محقق کرد. این شرایط همیشه وجود داشته و تا امروز ادامه پیدا کرده است.

متأسفانه هنوز رویکرد جریان‌های سیاسی ما بیشتر حذفی است تا جدنی. ما باید یاد بگیریم که حول منافع ملی وحدت نظر داشته باشیم. باید یک بار برای همیشه پی‌نبریم که جریانات سیاسی نیامده‌اند که همدیگر را حذف کنند بلکه آمده‌اند که همدیگر را کامل کنند تا همه بتوانیم بیشتر و بهتر در بستر منافع ملی قرار بگیریم و از آن حمایت کنیم.

امروز با اقدام ترامپ در قبال سپاه، بزرگایی به وجود آمده است که جریان‌های مختلف سیاسی می‌توانند حول مشترکات و منافع ملی با هم به وحدت نظر برسند. مواضع افراطی ترامپ که مواضعی نامعقول است و از زمان آغاز ریاست‌جمهوری‌اش تاکنون مدام تکرار شده، زمینه‌ای پیش آورده است که جریان‌های سیاسی داخل کشور می‌توانند حول منافع ملی و محورهای مشترک اجماع کنند و به اتفاق نظر برسند.

حالا شاهد یکی از نامعقول‌ترین موضع‌گیری‌های ترامپ هستیم که مربوط به سپاه پاسداران است. حضرت امام خمینی(ره) از همان ابتدای انقلاب فرمودند که اگر سپاه نبود، کشور نبود؛ چراکه اگرچه نیروهای ارتش بسیار در صحنه‌های نبرد هشت‌ساله ما در جریان جنگ تحمیلی زحمت کشیدند اما نیروهای ایدئولوژیک و خشک‌ن ما نیروهای سپاهی و بسیجی بودند. این ارزش سپاه و بسیج را در عرصه حفظ منافع ملی نشان می‌دهد. امام(ره) همواره تأکید می‌کردند که سپاه باید فارغ از جریان‌های سیاسی باشد و نیروهای سپاهی نباید چپ و راست برایشان مطرح باشد.

امروز با اقدام غیرعقلانی و افراطی ترامپ علیه سپاه پاسداران این فرصت پیش آمده است که چپ و راست یا جریان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا با محوریت حمایت از سپاه که یکی از تضامین حفظ و بقای انقلاب ما بوده، بتوانند دور هم جمع شوند و درباره منافع ملی وحدت و اتفاق نظر داشته باشند. ما باید یاد بگیریم که با وجود اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه‌های سیاسی و جناحی می‌توان حول محور منافع ملی به وحدت نظر رسید و کار کرد و جریان و فعالیت سیاسی به‌معنای فعالیت در جهت حذف رقیب نیست بلکه به‌معنای فعالیت با دیدگاه‌های مختلف در جهت حفظ منافع ملی است. ممکن است جناح اصولگرا بخواهد از سپاه یک سازمان سیاسی بسازد یا چه‌بسا جریان اصلاح‌طلب بدش نیاید که سپاه حامی جریان اصلاح‌طلبی باشد؛ اما چیزی که در این میان مهم است، تشخیص این ضرورت است که ما باید سپاه را فارغ از این جهت‌گیری‌ها ببینیم و در عرصه بین‌الملل از آن حمایت کنیم. شهید حسن حسینی می‌گفت: «جهان بولهبی است و جرم میهن من صلوات بر محمد و آل‌محمد است». حالا در این جهان بولهبی، سپاه مورد تهدید قرار گرفته و ما می‌دانیم که سپاه حافظ منافع انقلاب بوده و خواهد بود. جریان‌های انقلابی باید فرصتی را که برای حمایت فراجناحی از سپاه به وجود آمده مغفتم بشمارند و با حمایت از سپاه پاسداران حول محور آنچه ما «منافع ملی» می‌خوانیم، به وحدت برسند.

### سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

## ۸۸۱۹۰۶۶۸-۸۸۱۹۳۷۹۹